

دین پنهان

— ❖ ❖ ❖ مصیب ایرانی ❖ ❖ —

سرشناسه	:	ایرانی، مصیب، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور	:	دین پنهان/ مصیب ایرانی.
مشخصات نشر	:	قم: صرفی‌پور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۰ ص.
شابک	:	978-964-8436-57-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ایرانی، مصیب، ۱۳۳۸ -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع	:	اسلام -- مطالب گونه‌گون
موضوع	:	Islam -- Miscellanea
رده بندی کنگره	:	BP۱۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۸۸۲۵۸۰

دین پنهان

نویسنده: مصیب ایرانی

ناشر: صرفی‌پور

چاپخانه: وفا (۶۲۵ ۲۵ ۲۵ ۹۱۲۰۹۱)

چاپ: اول / ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۶-۵۷-۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



•• فهرست مطالب ••

۹	مقدمه
۱۰	متمدن بودن به رعایت حقوق دیگران است
۱۴	انتخابات
۲۰	شرک پنهان، و مریضی قلبی
۲۷	رجب ماه آماده سازی
۳۱	به نام آنکه به ما یاد داد تا تغییر را خود ایجاد کنیم
۳۲	تعریف انقلاب
۳۲	فرد و جامعه
۳۳	ماهیت انقلاب
۳۴	آزادی فکر و اندیشه
۳۵	انقلاب و بیداری
۳۵	آفت انقلاب
۳۶	عدالت اجتماعی

- ۳۷ استقلال و آزادی
- ۳۷ نقش روحانیت
- ۳۹ به نام خالق کرامت و انسانیت
- ۴۰ الگوی انتخاب همسر
- ۴۲ الگوی زندگی اجتماعی
- ۴۳ تحریفات عاشورا
- ۴۹ تکبر:
- ۵۱ مفاهیم تکبر
- ۵۳ موجبات تکبر:
- ۵۴ علاج تکبر:
- ۵۶ ماه رمضان ماه خودسازی
- ۵۷ تواضع
- ۶۲ غدیر و جریانهای سیاسی
- ۶۳ یهودیت و مسیحیت
- ۶۴ قبائل عربستان
- ۶۴ قریش
- ۶۶ مهاجر و انصار
- ۶۸ صفت رذیله حسد
- ۷۵ بازگشت آزادگان
- ۹۲ دعا و مناجات روش زندگی مؤمنین
- ۱۰۰ عید فطر

دین پنهان ❁ ۷

- ۱۰۳ ساختن فرهنگ
- ۱۱۰ وحدت
- ۱۱۶ اسلام به ظاهر خود ندارد عیبی
- ۱۱۷ امانت و رعایت عهد و پیمان (فرد و جامعه) در منابع اسلامی
- ۱۲۳ پیداری مردم و جامعه در قالب طنز
- ۱۳۱ خودسازی و پیداری اجتماعی
- ۱۳۲ تواضع
- ۱۳۷ جامعه‌ی بی هدف

« به نام هستی بخش »

مقدمه

مجموعه پیش رو نوشته هایی است که به مناسبت های مختلف در روزنامه محلی باختر در طی یک سال به خامه اینجانب در معرض خوانش خوانندگان عزیز این جریده قرار گرفت که با توجه به وضعیت جامعه به نظر تجمیع آن در یک مجموعه مناسب آمد، به امید آنکه جامعه ی ما روز به روز به سمت و سوی اخلاقی شدن و اخلاقی ماندن نزدیکتر گردد

نامیدن این مجموعه به عنوان دین پنهان بر مبنای اصطلاحی است که شهید مطهری در مورد جوامعی به کار می برد که به ظاهر دیندار به آنان گفته نمی شود اما اخلاقی عمل کردن آنان عاملی خواهد بود تا آنان را دارای دین پنهان بدانند، بنا به اعتقاد شهید مطهری عده ای با توجه به اینکه اعتقادی به مسائل دینی نداشته اما دارای یک تعهد و عمل به مسائل اخلاقی و اجتماعی هستند که یک دیندار به هر دلیل در عین اعتقاد اما عامل به آن نیستند، لذا یک نوع اعتقاد قلبی به رعایت حقوق خود و دیگران داشته که به تعبیر شهید مطهری نوعی دین پنهان محسوب می شود.

با این حال اگر کسی که معتقد به ایمان و اسلام است اگر عامل به

مسائل اجتماعی و اخلاقی باشد تمدنی می‌توان بنا نهاد که علاوه بر عمل به شایست و دوری از ناشایست جامعه‌ای الگوار به دیگران معرفی نماید تا عامل به اصل مهم و اساسی امر به معروف و نهی از منکر گردد.

تمدن بودن به رعایت حقوق دیگران است

چهارشنبه ۹۶/۶/۲۲ در حالی که ماشینم را در خیابان شورا پارک می‌کردم، سری به دفتر روزنامه باختر بزنم و جوایز حال سردبیر محترم روزنامه باشم (بخاطر عارضه قلبی ایشان که خداوند تمام مریض‌ها و ایشان را شفا عنایت فرماید) خانم محترمی مرا صدا زد و بایک حالت نگران پس از سلام و احوال‌پرسی گفت حاج آقا تشریف بیارید، سازه‌ای اسکلتی که در حال ساخت است و درست نبش خیابان شورا قرار دارد نشان داد و گفت این وضعیت آبی است که از این سازه در حال ساخت مدتی است به این صورت (که لوله‌ای بزرگ چندین اینچی با فشار آبی زلال از آن خارج می‌شد نشان داد) آبهای زیر زمینی را به سطح زمین کشانده و در فاضلاب شهری وارد می‌کنند!! آقا خدا را خوش می‌آید که هر روز تبلیغات در تمام رسانه‌ها گوش مردم را کر کرده و از بی‌آبی سخن می‌گویند اما این آب در این قسمت از شهر به حراج گذاشته شده در حالی که روزه روزه‌های آب را در خانه‌ها افزایش می‌دهند؟ در ادامه صحبت‌های خانم آقای با ریشه‌های سفید نیز وارد بحث شد و گفت مدت چند سال و شاید پنج سال است که این اتفاق دارد می‌افتد و در قسمتی از روز این آب به همین صورت و با این فشار به جدول کنار خیابان و نهایت

به فاضلاب شهری سرازیر می شود!! چرا چنین است؟ چرا کسی مانع نمی شود، همان خانم محترم چنین ادامه داد و گفت به شهرداری، شورای شهر، آب و فاضلاب و... رفتم و با بی مهری مرا از اتاق خود به بیرون راهنمایی کردند باید به چه کسی بگویم؟! حاج آقا شما بگویید به مقامات بالاتر!

حاج آقا شما بنرمایید این اسراف نیست؟ این خیانت به منابع زیر زمینی نیست؟ چه کسی باید پاسخگو باشد؟! آیا نمی شد همین آب را در تانکرهایی رخصه برای آب دادن پارک ها یا به مراکز کشاورزی برده و برای باغها و مزارع از آن استفاده کنند؟! مدتی به فکر فرو رفتم دیدم به راستی مردم خود به درستی هم انتقاد می کنند و هم راه حل ارائه می دهند، اما گوش شنوا؟

این مطلب باعث شد این نوشتار را به مسئله اسراف در موضوع آب و مصرف آن برای خوانندگان عزیز به رشته تحریر در آورم، در دنیایی که صحبت از جنگ هایی برای آب در آینده است، در دنیایی که آبهای یک منطقه را به منطقه ای دیگر منتقل می کنند و نارضایتی هایی نیز به دنبال دارد و بحران آب سال به سال شدیدتر می شود، آیا سزاوار است منابع آب را همچنان بی حرمت داشته و منابع زیر زمینی آن را به سطح زمین کشانند و در فاضلاب ها بریزیم؟! آیا سزاوار است به جای استفاده از جارو و پار در سطح خیابان ها و پیاده روها از آب استفاده کنیم؟! آیا فرهنگ خود را اینقدر پایین آورده ایم که به این مایه حیات و زندگی نیز به دیده بازی و داشتن پول و نداشتن پول و ثروت گره زده ایم؟!

چرا فرهنگ و متمدن بودن خودمان را به داشته هایمان گره می زنیم و فکر می کنیم هر کسی پول بیشتری یا قدرت گسترده تری داشته باشد می تواند چوب حراج به منابع ملی بزند (بماند عده ای متمدنانه با یک قلم میلیارها تومان را جابجا می کنند و خود را متمدن دانسته و دیگران را ...)، راستی باید چنین باشد که اگر کسی به شخصی که در حال شستن ماشین یا پیاده رواست و این آب بی زبان را به حراج گذاشته است از باب دلسوزی راز باب ثروت ملی و حتی جهانی یا از باب امر به معروف توصیه ای داشته باشد با قیانه ای حق به جانب و به اصطلاح خودش متمدنانه بگوید پولش را می دهیم!! آیا اگر انسانی برای رفع تشنگی خود تمام ثروتش را هم بدهد باز می تواند یک آب گوارا بیاورد در زمانه ای که این مایه زندگی به کمبود و یا بحران شاید رسیده باشد!! از طرفی آیا سزاوار است ما به افرادی که در محیط شخصی خود دست به اسراف می زنند، تذکر دهیم و بگوییم اسراف نکنید و در مصرف آن دقت کنید اما هرگاه نوبت به مراکز دولتی و اداری رسید مراکز مختلف را به دیگران محول کرده و خود را از قید و بند آن بدانیم آزاد بدانیم و یا برعکس در برابر تمام امور اداری تذکر داده و حق به جانب برخورد کنیم اما وقتی نوبت به خودمان رسید در جواب امر کنندگان به معروف بگوییم دیگران نیز چنین هستند؟! آیا مسئولان اداری باید دلسوزانی که برای تذکر مراجعه می کنند بابتی مهری و پاس دادن امیدی که برای اصلاح و دفاع از ثروت ملی ما دارند با امید گردانیم؟!

آیا پول ناچیزی که برای آبهای مصرفی داده می شود (البته بماند که

برای خانواده‌هایی این پرداخت‌ها هم سنگین است اما اگر بحث اسراف باشد همین خانواده‌ها نیز باید تنبیه شوند) می‌تواند آب آشامیدنی آیندگان را تضمین کند؟ صاحب این سازه و دیگران کسانی که دست به اسراف مخصوصاً در موضوع آب می‌زنند باید بدانند آنها سرمایه این نسل و نسل‌های دیگر را به حراج گذاشته و به آنان خیانت کرده‌اند، چرا که خداوند می‌فرماید: «هر چیزی را به اندازه معین آفریدیم»^۱ و اینکه حزانه‌ای موجودات بیش ماست اما به اندازه معین از آن نازل می‌کنیم^۲ براین اساس منابع و ذخایر زیر زمینی بی‌نهایت نیست و با مصرف بی‌رویه و اسراف گونه آن به سرعت روبه نقصان خواهد رفت و به زودی به پایان خواهد رسید از جمله این منابع آب است در حالی که این سال‌ها با کمبود آب در سطح کره زمین روبرو هستیم و باید فکری جهانی داشته باشیم نه سازه‌ای خود خواهانه بسازیم و دیگران را بخاطر تذکر خیر خواهانه و از سر دلسوزی تحقیر نماییم. چرا که اسراف از جمله اسوری است که در هر دین و مذهبی باشید همانند امانت و امانتداری باید به آن اعتقاد باشید و به آن عمل نمایید. (اسراف) این صفت رذیله که هم در بعد اجتماعی مطرح است هم در بعد اخلاقی اهمیت آن از آن جهت که رذیله‌ای کار ساز در اجتماع بوده مورد توجه قرآن و سنت می‌باشد تا مؤمنین با کنترل و بازدارد کردن آن همکاری و همیاری نسبت به همدیگر و نسل‌های آینده را به منصفه ظهور برسانند.

اسراف و تبذیر در هر موضوعی و به هر عنوانی خریدن لعنت خدا و خلق خدا برای اسراف کننده است، چه آنانی که پولش را می دهند و چه آنانی که پولش را ندارند که بدهند. در مضرات اسراف باید گفت خداوند آنان را در ردیف دشمنان خودش چون فرعون قرار داده^۱ و اینکه نباید از مسرفین اطاعت کرد^۲ چرا که آنان اهل آتش هستند^۳ و خداوند آنان را دوست ندارد^۴ و آنان را وعده هلاکت داده^۵ و گاهی همانند کسانی که تائید پولش را می دهیم خداوند این اسراف را برای آنان زینت داده و خود به آن افتخار می کنند^۶ و نهایت اینکه خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد.^۷

انتخابات

«من استوی یو، اه فیه مغنون و من کان آخر یومیه خیرهما فهو مغبوط و من کان آخر یومیه شرهما فهو ملعون و من لم یر الزیاده فی نفسه فهو الی نقصان فال موت خیر له من الحیاة»^۸ کسی که در رشد کمالات انسانی، دو روزش یکسان باشد در معامله نقد عمر دچار غم شده و آن کس شایسته است که موفقیتش در زندگی مورد حسرت سایرین واقع گردد، که امروزش از دیروز بهتر باشد، ولی کسی که هر روز از عمرش می گذرد، در حالی که

۱. یونس / ۸۳.

۲. شعرا / ۱۵۱.

۳. غافر / ۲۳.

۴. انعام / ۱۴۱.

۵. انبیاء / ۹.

۶. یونس / ۱۲.

۷. غافر / ۲۳.

۸. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷، ص ۳۳۷.

مرتبا راه انحطاط می‌پیماید، از رحمت و عنایات خداوندی بی‌بهره خواهد ماند و شخصی که در معنویات و کمالات و فضایل در خود احساس فزونی ننماید، در معرض نقص و کمبود قرار گرفته برای کسی که در راه نقص گام برمی‌دارد و به قهقرا می‌رود، مرگ بهتر از زندگی است.

اخلاق رقابت و انتخابات، از مباحثی است که باید مورد توجه در هر انتخاباتی باشد و ضمن نگه داشتن احترام دیگران باید به کارهای خود و بی‌برنامگی دیگران، مطرح کردن دلائلی که باعث می‌شود شخص نامزد انتخابات کمبودی را احساس کرده که برای رفع آن کمبود وارد کارزار رقابتی شده و آنرا با دلیل و مستند به مخاطبین و رأی دهندگان خود ارائه نموده، وارد کارزار شده و معتقد است که برای آن برنامه دارد.

لذا با توجه به مطالب پیش رو باید متفقد شد که اخلاق انتخاباتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری رعایت نشده و همچنین در سایر انتخابات چرا که انتخابات و نمود مردم سالاری دینی اگر از زمان مشروطه بگذریم در جمهوری اسلامی از حدود چهل سال پیش رقم خورده و هر سال متفاوت تر از سالیان دیگر خود نمایی کرده است، و با توجه به حضور همه گروه‌ها در انتخابات و آمدن آنان به سریر قدرت هیچکدام نمی‌توانند خود را حق مطلق دانسته و دیگران را باطل چرا که تجربه ثابت کرده که این گونه تفکر جز ضربه زدن به اصل نظام و دین فایده و منفعتی برای جامعه نخواهد داشت، با این حال ابتدای انقلاب که حضور چشم گیر مردم ایران به پای صندوقهای رأی عاملی شد برای امید و خودیابی سیاسی بعد از دو دیکتاتور پهلوی در واقع بعد از اختناق و دوری از انتخاباتی آزاد در زمان

پهلوی اول و دوم بعد از بهمن ۵۷ به ارمغان آورد، اما در ابتدای انقلاب، مردم ایران یکصدا و با ۹۸ درصد در انتخابات و اولین رفتارندوم به جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دادند.

سالیان طول کشید که گروههای سیاسی و احزاب و جریانهای یکی خود را به آرای مردم سپردند تا علاوه بر دموکراسی دینی مردم نیز یاد بگیرند که انتخاب کنند و بهای انتخاب خود را نیز بدهند. چرا که هر کسی باید بهای انتخابی که می کند بدهد حال خوب باشد یا بد.

اما ۲۹ دیهشت سال ۹۶ انتخابات که در ابتدا امیدی به حضور گسترده مردم احساس می شد، حضور صدا و سیما در پخش مناظره ها و کلید رقابت بین در جناح زد شد و هر کدام از کاندیداها به نمایندگی از تفکر خاصی و لونه همه تفکرات اما رقابتی ایجاد شد که هر گروه و فردی به دنبال آرزو و امیال خود در وجود کاندیداها شش گانه که نهایت به دوگانه تبدیل شد، بودند که در این رقابت پیروزی بزرگی برای مردم سالاری دینی در جهان و علاقه مندی مردم به نظام اسلامی که به دنبال خواسته های بحقشان بودند رقم خورد. جریان ها هر کدام با متهم کردن همدیگر و افشای مواردی که قبول آن از طرف مردم به سرعت واقع شده و رد آن و محاکمه عاملان آن برای مردم آرزویی شده و از طرفی همین اشاعه فساد در جامعه خود نوعی دیگر از بد اخلاقی یا بی اخلاقی را رقم زد است که نهایت به ضرر اخلاق در تمام اقشار تمام شده است.

انتخابات به پایان رسید و آنچه اکثریت بود از صندوقها بیرون آمد و همه جریانات سیاسی به کارهای روزمره خود پرداختند، اما آنچه به نظر

نگارنده مطرح است اینکه در این رقابت، و انتخابات، باید به رقابت سه تفکر توجه داشت که از این سه تفکر آنچه مورد نظر امام و تئوریسین های انقلاب بوده اصل قرار گرفته و دو تفکر دیگر در حاشیه باید بوده و مانع از حضور آنان در متن باشیم هر چند به واقع دو تفکر دیگر در اجتماع خودنمایی می کند.

تفکر اول تفکری است که سکولاریسم و به جدایی دین از صحنه اجتماع و سیاست معتقد است و اعتقاد دارد باید دین در خلوت انسان ها مورد توجه قرار گیرد و البته چنانکه بعضی معتقدند به معنای بی دینی نیست.

تفکر دوم اما معتقد است که دخالت در سیاست بخاطر حساسیت آن تنها به عهده مجتهدین است و آنان هستند که باید سیاست و امور مهمه اجتماع اسلامی را اداره نمایند.

لذا تفکر اول هر چند اصلاح طلبان واقعی در نظام جمهوری اسلامی از این تفکر حمایت نکرده و آنرا مورد پسند خود نمی دانند اما افرادی که تابع این تفکر هستند خود را در پشت اصلاح طلبان قرار داده و از اصلاح طلبان در انتخابات حمایت می کنند، و تفکر دوم نیز هر چند اصولگرایان را نمی شود کلاً در این تفکر قرار داد اما این تفکر در کنار اصولگرایان قرار خواهند گرفت، البته باید دقت داشت که بسیاری از بیان این تفکر خود در اجتماع طفره رفته و بیان نمی کنند هر چند افرادی در اعلان و آشکارا به لیبرالیسم بودن خود افتخار می کنند.^۱

۱. صادق زیبا کلام استاد دانشگاه.

امام خمینی علیه السلام معتقد است تفکر اول مردم متدین را از سیاست جدا کرده و خطرناک است، اما تفکر دوم علاوه بر این که مردم را از سیاست جدا می کند از دین نیز جدا خواهد کرد لذا این تفکر خطرناک تر است.^۱

و تفکر سوم این است که دین باید در سیاست دخالت کند اما متدینین باید افرادی متخصص نیز باشند و علاوه بر تقوای الهی متخلق به اخلاق درست اسلامی باشند، رقابت را برای خدمت بیشتر و عدالت و سازندگی مردم و جامعه داشته باشند، قدرت برای آنان وسیله ای باشد برای خدمت بیشتر و زمینه تعالی و تکامل انسان و جامعه را فراهم کردن، در این تفکر افراد در صورت احساس بی کفایتی خود به هر دلیل از مسئولیت خود کناره گیری کرده تا مورد غضب حق تعالی و مردم قرار نگرفته و مسئولیت را به عهده دیگرانی که کارایی بیشتری دارند. خواهند سپرد،

لذا مردم در انتخابات هر چند ممکن است به این امور دقت نداشته باشند و تنها در جو انتخاباتی شعارهای نامردها را رصد می کنند، در این انتخابات به بسیاری از شعارهای به ظاهر قشنگ و دلغریب نه گفتند و به بسیاری از شعارهای دیگر آری گفتند.

در عین حال باید تبریک گفت به مردم که می توان گفت از انتخابات دیگر به نسبت تجربه و تلاش و وضعیت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی اجتماعی دقت بیشتری داشته و کسی را انتخاب کردند که به آرمانها و آرزوهایشان نزدیکتر بوده و اکثریت با این افراد بوده که نشاط و امید را همراهی کنند، هر چند حضور ۳۷ درصدی مخالفین نیز قابل توجه بوده و

۱. صحیفه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۸، ص ۳۶۸.

باید علاوه بر صدای آنها صدای ۱۷ میلیونی نیز که رأی نداند شنیده شود، به هر حال انتخاب لذتهایی دارد و سختیهایی نیز دارد که باید رنج آنرا نیز کشید. امیدوارم این دولت بتواند حداقل خواسته‌های هر قشر جامعه را برآورده نماید.

نهایت با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان باید خویش را در محکمه الهی ببینیم و چه کسانی که کاندیدایی را تخریب می‌کردند و به باد استهزاء و تمسخر می‌گرفتند و چه کاندیداهایی که همدیگر را آماج اتهامات قرار دادند باید بر صدای ذکر سومی که همگی معتقدیم بهترین تفکر است به خودسازی و توبه از درگاه خدای منان روی آوریم و خویش را پاک از همه گناهایی که خواسته یا ناخواسته مرتکب شده‌ایم بنماییم. و خالصانه از درگاه خداوند اللهم اصلح کل فاسد من ائمة المسلمين را زمزمه نماییم.